

در توصیف نقش **مذهب** در هنر و معماری مصر، همین بس که **هرودوت**، پدر تاریخ، می گوید: "مصریان، به حد افراط و بسی بیشتر از هنر نژاد بشر، مذهبی اند."

رود نیل، طولانی ترین رود جهان است که زندگی را برای مردم مصر ممکن ساخت. بنابراین در نظر مصریان، نیل به عنوان **خدا و نماد زندگی** نقش بسته بود.

سرزمین مصر فلات است و به جز اطراف رود نیل همه جا بیابان است و صحرا. نکته جالب این است که رود نیل، برخلاف بقیه رودها، از جنوب به شمال حرکت می کند و به دریای مدیترانه می ریزد.

تا اواخر سده 18، خط ناخوانده و آثار شگفت انگیز مصر را، گنجینه هایی باقی مانده از دوران حکمت سری و جادوگری می دانستند. تاریخ علمی و یا دست کم باستان شناسی علمی، زمانی آغاز شد که اروپای نوین در اواخر سده 18، مصر را از نو کشف کرد. و به این ترتیب، **مصر، نخستین** موضوع کاوش های باستان شناسی شد.

مصریان و اعتقاد به جهان پس از مرگ:

مصریان سکونتگاه ها و خانه های خود را از مصالح **بی دوام** و مقبره های خود را از **سنگ ماندگار و سر سخت** می ساختند. این مسئله در کنار وجود بیش از 1000 خدای در مصر، به وضوح نشان از اعتقاد محکم مصریان به **جهان جاودان پس از مرگ** دارد. آنان معتقد بودند مقبره ها جسد آدمیان را تا ابد نگه می دارند. **رسم تدفین مردگان در مرکز زندگی مصریان** بوده است. بیشتر نقاشی ها در مقبره ها یافت می شوند که این نقاشی ها، معتبرترین مدرک باستان شناختی برای بازسازی تاریخی تمدن مصر هستند.

دین و ماندگاری (جاودانگی) عناصری هستند که هنر پرشکوه و **نامیرای** مصریان را از هنرهای دیگر، متمایز می کنند و **نظم لایتغیری** را که در نظر آنها از سوی خداوند مقدر شده بود را بیان می کنند.

به گفته **هرودوت**، انسان مصری، "**به حد افراط مذهبی**" بود و علاقه اش به جاودانگی او را تا مرز شیفتگی و وسواس فکری پیش می بُرد. توجه او به زندگی در این جهان، فقط برای تامین سلامت و سعادتش در آن جهان بود.

مصریان معتقد بودند از نخستین لحظه تولد آدمی، یک خودِ دیگر به نام "**کا**" او را همراهی می کند، که به محض مردن جسم فانی، می تواند وارد جسد شود و به زندگی اش ادامه دهد. اما برای آنکه **کا** بتواند با آسایش و

امنیت زندگی کند، جسد باید تا سرحد امکان، سالم و دست نخورده بماند؛ به همین دلیل اجساد خود را مومیایی می کردند.

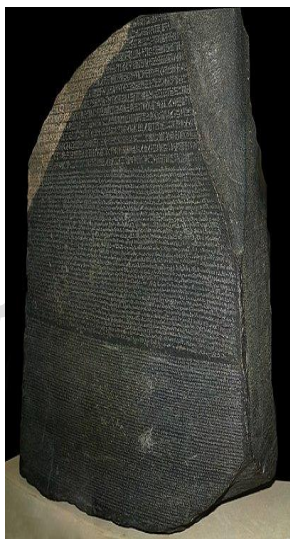
توجه مصریان به جهان پس از مرگ، به این هدف معطوف می شد: **جاودانگی شخص متوفی در آن جهان. مومیایی کردن** در واقع نخستین شرط فناپذیر شدن جسد به شمار می رفت، با اقلام دیگری همراه بود: نوشیدنی و خوردنی و پوشاک و ظروف و دیگر وسایل زندگی در کنار جسد مومیایی شده گذاشته می شد برای زندگی هر چه راحتتر شخص متوفی در جهان بعدی.

همچنین **پیکره های نقش برجسته** همه جانبی از شخص متوفی را در تاقچه های مقبره ها می گذاشتند که این کار را نیز عامل **تضمین جاودانگی** او می دانستند؛ چرا که در صورت متلاشی شدن مومیایی، جانیشینی برای سکونت گاه کا، وجود داشته باشد.

به همین ترتیب گردش تکرار شونده فعالیت های آدمی را با جزئیات کامل، به صورت نقاشی دیواری برای استفاده کا، می کشیدند.

مصریان این پیکره ها و وسایل را برای جاودانگی شخص متوفی همراه جسد می گذاشتند، اما از همان لحظات نخست تدفین، این اموال مورد غارت غارتگران مقبره ها قرار می گرفت. از میان مقابر پادشاهان، تنها یکی از مقبره ها دست نخورده باقی مانده و آن مقبره **توت عنخ آمون** از سلسله 18 است.

لوح روزتا (رَشید - Rosetta) :



لوح یا سنگ روزتا توسط دانشمندانی که **ناپلئون بناپارت** در سال 1779 عازم مصر کرد، کشف شد. با کشف این لوح، مفهوم خط ناخوانده **هیروگلیف مصری** نیز کشف شد. این لوح نزدیک شهر **اسکندریه** یافت شد و باعث شد مصرشناسی باب شود. روی این لوح کتبیبه ای در 3 بخش با 3 خط متفاوت وجود دارد. بخش پایینی به خط **یونانی** است که به راحتی خوانده شد، بخش میانی خط **دموتیک** یا **عامیانه مصری** و بخش بالایی خط **هیروگلیف کاهنان مصر**. در نهایت باستان شناسان به این نتیجه رسیدند که

خط هیروگلیفِ مصری، الفبای تصویر نگار نیست.^۱

مصر در دوره پیش از سلسله ها :

احتمال می رود که در حدود 3500 ق.م، مردمی از نژاد آفریقاییان در معرض تاثیرات تمدن بین النهرین قرار گرفته باشند. یا آنکه مانند سومر، وارد شدن مردمی تازه به محیط ایشان، تکامل ناگهانی فرهنگ را باعث شده است. یک نقاشی دیواری متعلق به این دوره، در مصر علیا به دست آمده است به نام نقاشی هیرا کونپولیس.

نقاشی هیرا کونپولیس، مصر علیا، حدود 3500 ق.م :

این نقاشی دیواری، متعلق به اواخر دوره پیش از سلسله ها است؛(حدود 3500 ق.م) که از زیارتگاهی در هیرا کونپولیس در مصر علیا به دست آمده است. در این نقاشی، انسان ها، زورق ها و جانوران به صورتی زنده و درهم و برهم(تصادفی) نمایش داده شده است.

زورق ها(قایق ها) که نماد سفر زندگی و مرگ از رود نیل هستند به رنگ سفید ترسیم شده اند و حامل چند مقبره اند و زنانی که بر آنها اشک می ریزند. همچنین جانوری ترکیبی و مرکب از دو جانور در دو طرف یک پیکره آدم ترسیم شده است که تاثیرات هنر بین النهرین را نشان می دهد.

این نقاشی دیواری، قدیمی ترین نماینده شناخته شده آن سنت هزار ساله نقاشی است که نمایان گر رسم های تدفین مردگان مصری است که تا حد زیادی در مرکز زندگی مصریان بوده است.



نقاشی هیرا کونپولیس، متعلق به دوران پیش از پادشاهی(قبل از سلسله ها) که مراسم تدفین و جهان پس از مرگ را به تصویر کشیده است.

^۱ این خط، خطی تصویری است که هر تصویر کشیده شده، معنای همان تصویر را نمی دهد. به طور مثال تصویر پرنده، به معنای پرنده نیست. بلکه نشان دهنده یک حرف از حروف الفبای مصری است.

نخستین دوره ها و پادشاهی کهن :

قبل از پیدایش سلسله های پادشاهی در مصر، سرزمین مصر به دو بخش مصر علیا(جنوبی) و مصر سفلی (شمالی) تقسیم می شد. سرزمین مصر علیا، سرزمینی خشک و ناهموار با فرهنگی ساده و روستایی بود. مصر سفلی سرزمینی پر نعمت، شهری شده و پرجمعیت بود. مردم مصر علیا، مردمی فقیر، کوچ نشین و با فرهنگی پایین بودند؛ در مقابل مردم مصر سفلی، مردمی ثروتمند، با فرهنگ تر و از لحاظ کشاورزی، غنی بودند.

حدود 3100 پ.م مردم مصر علیا، به رهبری فردی به نام منس مصر سفلی را فتح کرده و پادشاهی واحدی پایه ریزی می کنند و بدین ترتیب، تمدن مصر به لحاظ تاریخی شروع می شود. در واقع مصری ها اولین ملت تاریخ هستند.

از 3100 تا 2040 پیش از میلاد را دوره "پادشاهی کهن" در مصر باستان می نامند که شامل 11 سلسله نخستین پادشاهی در مصر است.

لوح آرایش نارمر، 3000 ق.م :

می گویند منس همان نارمر پادشاه است که تصویرش بر روی یک سنگ لوح در هیراکونپولیس به دست آمده است.

لوح آرایش نارمر نمونه عالی و رسمی یک وسیله کار در دوره پیش از سلسله ها است(برای تهیه داروی آرایش چشم مورد استفاده قرار می گرفت). علاوه بر این، این لوح یک سند تاریخی است که بر روی آن وحدت دو بخش مصر و آغاز دوره سلسله ها ثبت شده است. همچنین به عنوان نخستین نمونه فرمولی برای نمایش پیکره است که تا 3000 سال بر هنر مصری مسلط بود.

در این لوح، پادشاه در جایی بالاتر از زیردستان خود و دشمنانش، قرار دارد؛ چون مقامش برتر است. بر خلاف نقش های برجسته بین النهرین، روایت تاریخی در این لوح مصری، اهمیت چندانی ندارد؛ بلکه آنچه اهمیت دارد تمرکز توجه بر شخص پادشاه به عنوان موجودی خدایی، جدا از همه انسان های عادی و به مراتب بالاتر از ایشان است که به تنهایی مسئول و عامل پیروزی های خود است.

اگر آنچه به خدایان و به طبیعت تعلق دارد، تغییرناپذیر است و اگر پادشاهی مقامی خدایی دارد، در این صورت صفات وی باید جاودانی باشد.

در پیکره نارمر، شاه با پرسپکتیوی مرکب از نماهای نیم رخ سر، پاها و دستها با نماهای روبه روی چشم ها و بالاتنه دیده می شود. این روش نمایش، که مشابه هنر بین النهرین است، به صورتی استاندارد برای کل هنر مصر، در سده های بعد، در می آید. در واقع لوح آرایش پادشاه نارمر، قوانینی بنیادین را مطرح کرد که تا هزاران سال بعد بر کل هنر در امتداد رود نیل حاکم شد.

در مقایسه با نقاشی دیواری هیراکونپولیس، که پیکره ها به طرزی تصادفی بر روی دیوار پراکنده شده اند در این لوح، سطح سنگ به چند نوار تقسیم شده است که عناصر صوری به طرزی ظریف و منظم در جای خود، گنجانده شده اند. این خطوط افقی جداکننده نوارها، زمینه نگه دارنده پیکره ها را نیز مشخص می کنند.

لوح آرایش نارمر، علاوه بر ثبت یک رویداد مهم تاریخی و وضع قواعدی بنیادی برای هنرهای تصویری، چندین مرحله از تکامل خط مصری را نیز تجسم بخشیده است. داستان پیروزی های نارمر در صحنه های مختلف، با درجات متفاوتی، از نمادپردازی نمایانده شده است.



پشت و روی لوح نارمر

پیکره کننده کاری شده چوبی هزی رع، سقاره، 2750 ق.م :

این لوح که 300 سال بعد از لوح آرایش نارمر ساخته شده است، پیکره کننده کاری چوبی است که مقام عالی رتبه دربار پادشاه زوسر را نشان می دهد و ظرافتی بیشتر و انتظام یافته تر از لوح نارمر دارد. هنرمند یک انسان چهارشانه را با کمر باریک که کمال مطلوب یک



پیکره کننده کاری شده چوبی هزی رع، سقاره

قهرمان است، کنده کاری کرده است (ایده آل گرایی) و به جای روش بصری، روش مفهومی را به کار گرفته است. به عبارتی هنرمند آنچه را که می داند درست است ترسیم کرده است، نه آنچه را که در واقعیت وجود دارد.^۲

معماری دوره پادشاهی کهن :

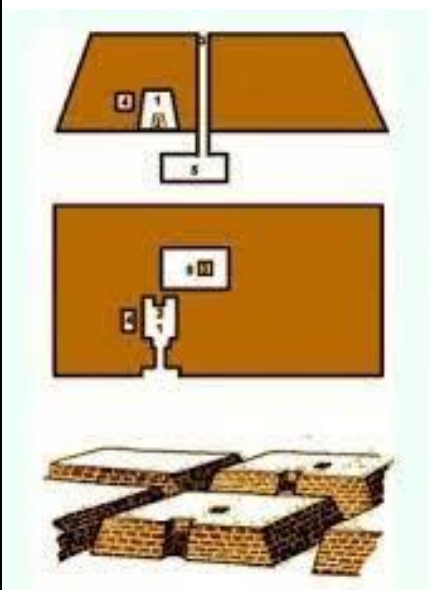
نکته : در بین النهرین، تقریباً گونه ای بی تفاوتی به آیین تدفین مردگان و ماندگاری مقبره ها وجود داشت، حال آنکه در مصر این گونه مسائل را در درجه اول اهمیت قرار می دادند.

در طراحی مقبره مصری، که نماد خانه ابدی و خاموش مردگان مصری است از اصول ماندگاری و نظم مشابهی پیروی شده است.

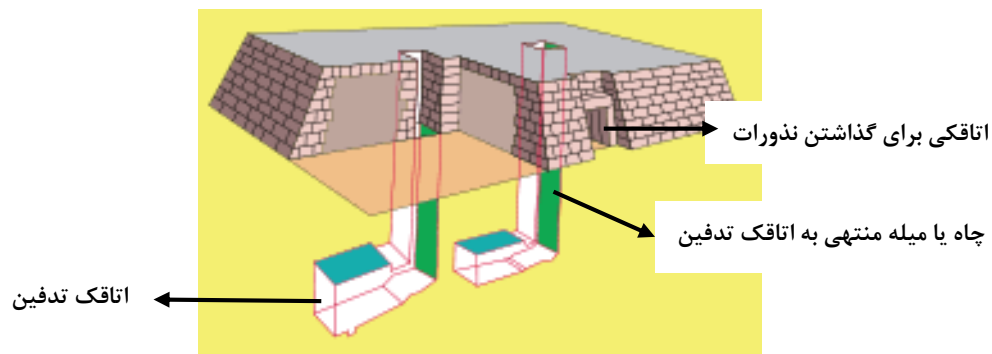
مصطبه :

شکل رایج یک مقبره، مصطبه است. مصطبه در عربی به معنای سکو است و ساختمان چهارگوشه ای از آجر یا سنگ با دیواره هایی شیب دار است که بر روی مقبره ای زیرزمینی ساخته می شد. این مقبره به وسیله هواکشی با خارج ارتباط پیدا می کرد.

شکل مصطبه احتمالاً از تپه های خاکی یا سنگی که مقبره های پیشین را می پوشانید، گرفته شده است.



پلان - مقطع و نمایی از یک مصطبه

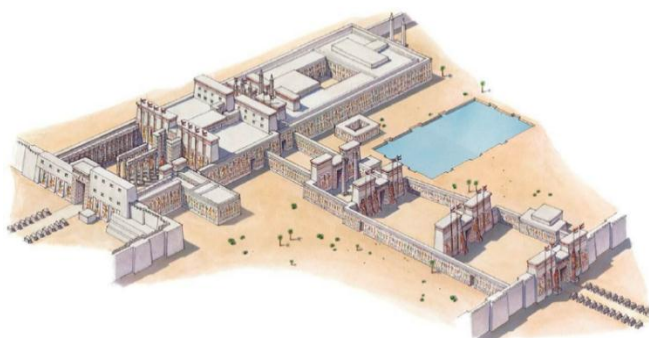


^۲ هنرمند هنر ایده ایستی به جای هنر واقع گرا و رئالیستی را به نمایش می گذارد.

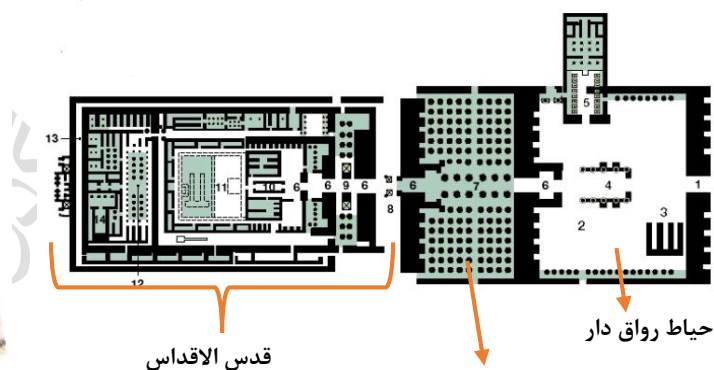
معابد ستایش خدایان :

مصریان علاوه بر معبد مردگان (معابد تدفینی)، معابد دیگری نیز ساخته اند که برای ستایش از یک یا چند خدا استفاده می شد و اغلب شاهان یکی پس از دیگری، بخش های تازه ای به آن اضافه می کرد. نمونه این معابد پرستش، معابد **گرنک** و **الاقصر** است.

تمامی این معابد نقشه اجرایی مشابهی (پلان تیپ) داشتند. هر معبد که از دو طرف پلان قرینه است، بر امتداد خیابانی است که از وسط یک حیاط رواق دار و یک تالار ستون دار گذشته و به مرقد کم نوری می رسد.



پرسپکتیو معبد شهر گرنک



قدس الاقداس

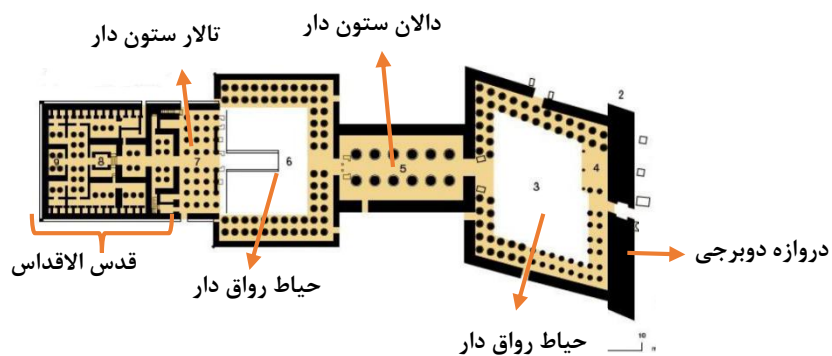
حیاط رواق دار

تالار ستون دار

پلان معبد شهر گرنک



دروازه دوبرجی معبد (دروازه ورودی)



قدس الاقداس

حیاط رواق دار

حیاط رواق دار

پلان معبد الاقصر